ایران طنز
http://irannewspaper.ir
editorial@irannewspaper.ir

طنز روزنده

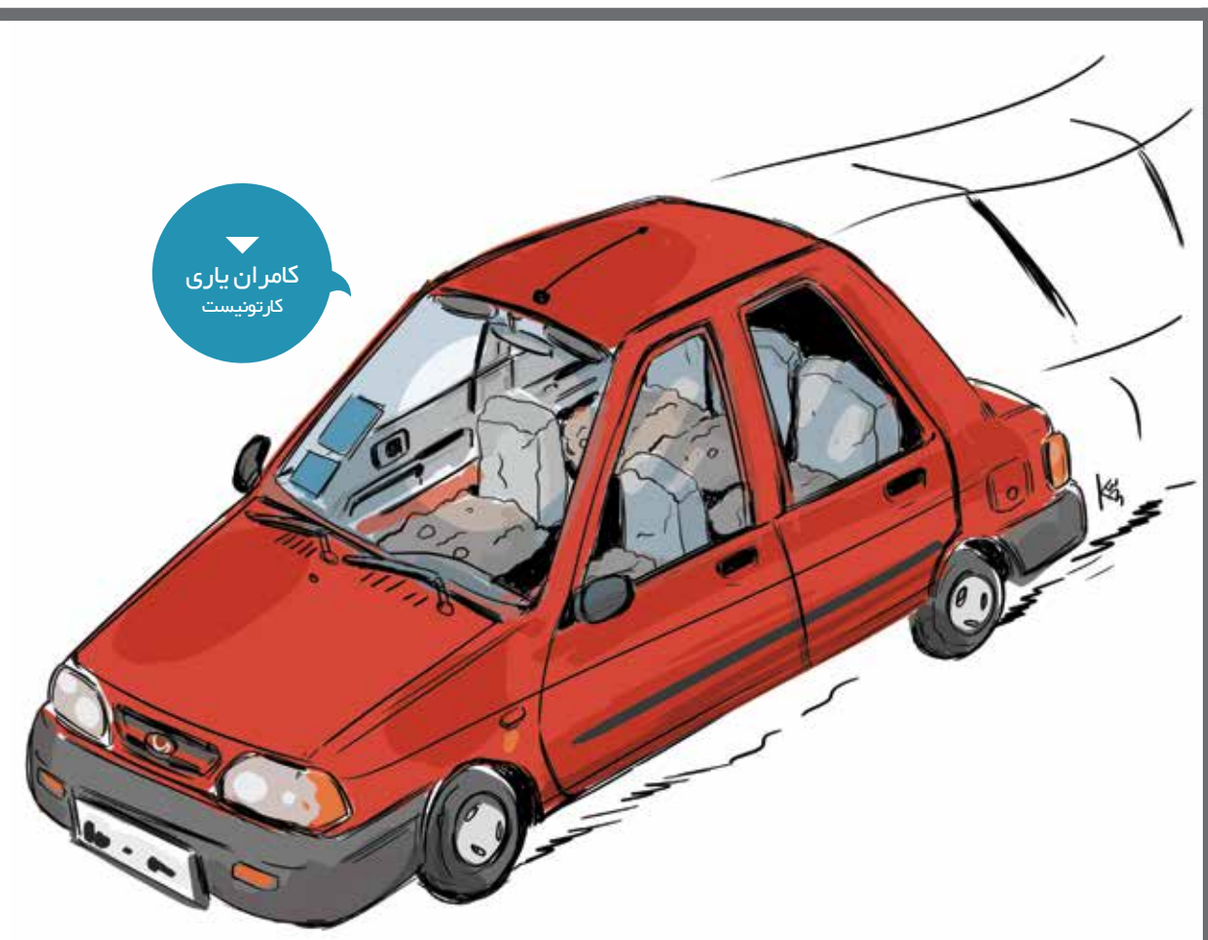

کامران یاری
کارتونیست

چطور ضرر ندهیم؟

فاطمه سادات رضوی علوی

چندی پیش عضو هیأت مدیره یک کارخانه خودروسازی برف پاک‌کن را از جا کند و گفت: در کشوری که شاخص بارندگی از حد معمول کمتر است این آپشن هم اضافی است. اگر احیاناً باران آمد، خریداران ما بروند یک گوشه بایستند تا باران بند بیاید، بعد با لنگ شیشه را پاک کنند و به حرکت خودشان ادامه دهند. وی در پاسخ به سؤال خبرنگار که پرسیده بود چرا؟ گفت: این‌طور نمی‌شود که! ما بابت هر خودرو داریم ۷۰ میلیون ضرر می‌دهیم. کمی بعدتر از این اظهارات دستور واردات خودرو به کشور صادر شد و همان یا یکی از همان اعضای هیأت مدیره درحالی که روی زه بغل پراید با دسته کلیدش خط می‌کشید، گفت: قهر قهر تا روز قیامت! و در پاسخ به سؤال خبرنگار که پرسیده بود دیگر چرا؟ گفت: خیلی بد هستید، پس ما چی؟!
ما برای اینکه خیال اعضای هیأت مدیره را راحت کنیم در ادامه می‌خواهیم اثبات کنیم چرا با وجود واردات خودرو و کاهش تقاضا برای محصولات یک کارخانه خودروسازی در بازار، این شرکت باز هم ضرر نمی‌کند؟

اول: با یک حساب سرانگشتی می‌توان فهمید که یک کارخانه خودروسازی تا این لحظه بابت هر خودرو حداقل ۵۳۰ میلیون تومان در ماه‌های غیرحرام و ۷۳۰ میلیون تومان در ماه‌های حرام سود می‌برد و باید برود خدایش را هم شکر کند که بابت هر خودرو مجبور به پیش‌پرداخت دیه خریدار نیست!

دوم: اگر یک کارخانه خودروسازی فقط روی افرادی که قصد خودکشی دارند سرمایه‌گذاری کند، می‌تواند با فروش یکجای محصولاتش به این افراد، بار خودش را ببندد. تازه اگر خیلی زرنگ باشد که هست! می‌تواند با مافیای روانپزشکی تبانی کند تا بیمارانی که از آنها قطع امید شده و منصرف نمی‌شوند را به یک کارخانه خودروسازی بسپارند. یک کارخانه خودروسازی با فروش خودرویش به افراد هم از گناه خودکشی عمدی آنها می‌کاهد، هم با یکسره کردن کار افراد در صف خودکشی، آمار بیماران روانی جامعه را می‌کاهد و به سلامت روان جامعه کمک می‌کند.

سوم: یک کارخانه خودروسازی می‌تواند بابت هربرنامه «زندگی پس از زندگی» از تهیه کننده طلب سهم کند و اگر نپذیرفت به‌دلیل رعایت نکردن حقوق مادی و معنوی یک کارخانه خودروسازی از آنها درخواست غرامت کند. اگر پیش از این بیننده این برنامه باشید با یک حساب سرانگشتی متوجه نقش اثرگذار یک کارخانه خودروسازی در تأمین محتوای این برنامه می‌شوید. حالا اینکه در قسمت باتشکر تیتراژ هم نامی از یک کارخانه خودروسازی آورده نمی‌شود کم لطفی و بی‌چشم و رو بازی تهیه کننده است.

اگرچه ما همه تلاشمان را برای اقناع اعضای هیأت مدیره یک کارخانه خودروسازی کردیم اما همان عضو هیأت مدیره پس از خواندن موارد بالا آپشن ترمز و ترمز دستی را برای خودروی ثبت‌نامی اینجانب اضافی دانست و تأکید کرد: در زندگی پس از زندگی می‌بینمت!

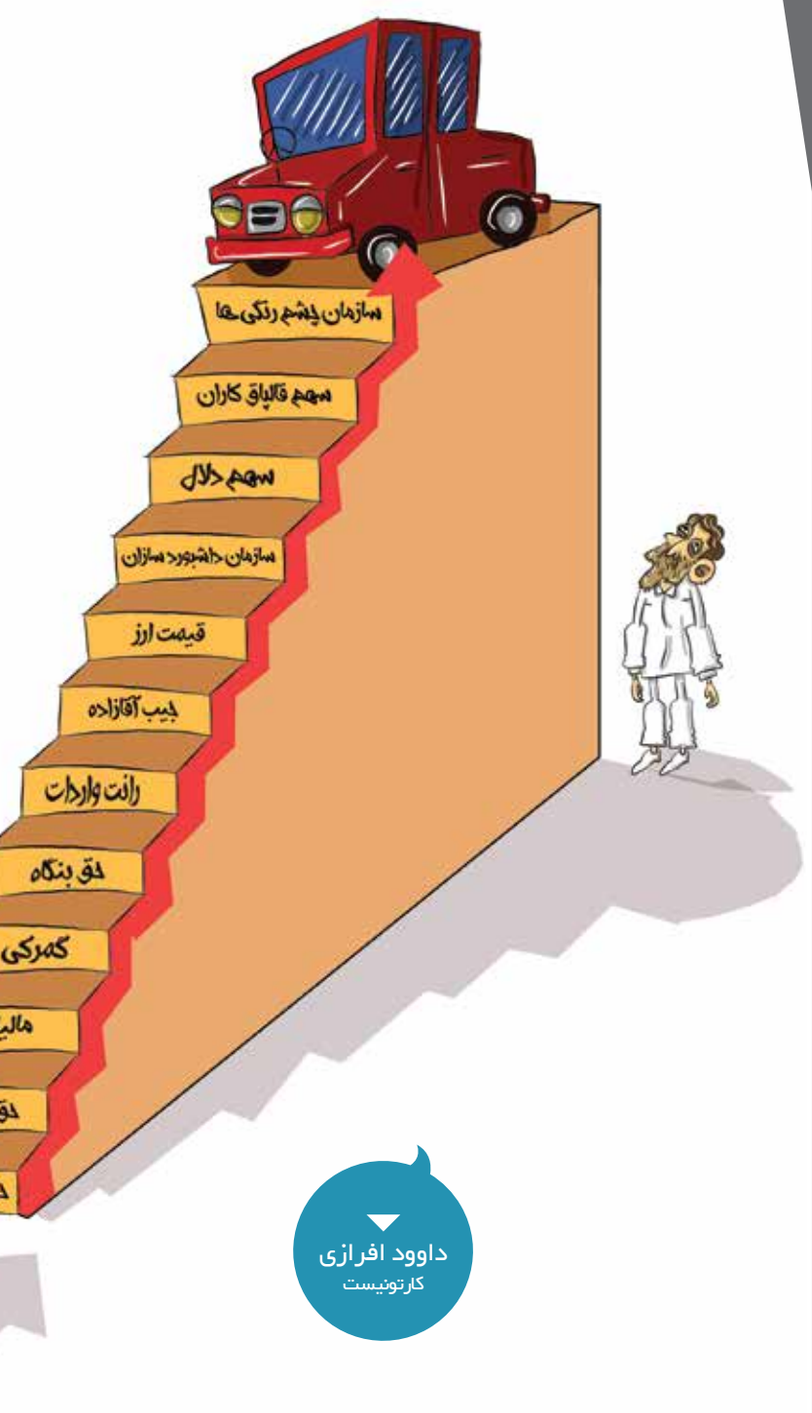

داوود افرازی
کارتونیست

فقط پدال

صامره حبیبی

تو که در گرفتن جان بری از مثال هستی
شده‌ای سوار ملت پی عشق و حال هستی

همه را سیاه کردی به هزار چهره از خود
چه کند زغال وقتی تو خود زغال هستی

نرسم به وصل هرگز ز حباب قرعه هایت
نخورد به خال تیرم پر خط و خال هستی

نه قیافه‌ات درست و نه وسایلت حسابی
تو چگونه خوردو هستی که فقط پدال هستی

تو همیشه در فروشی و همیشه در زیانی؟
چقدر سؤال دارم چقدر سؤال هستی

همه هست آرزویم برسم به گرد خودرو
به همین خیال باشم؟ به همین خیال هستی؟

دستورالعمل نحوه خرید خودروی وارداتی

جان شما و جان خودروی وارداتی

محمدرضا رضایی

در راستای ایجاد فرصت برای همه هموطنان جهت کیف بردن و حال کردن از واردات خودرو و امکان خرید خودروهای خفن توسط همه اقشار، بخصوص قشر ضعیف و رنج کشیده پراید سواران، داشتن شرایط زیر برای خرید خودروهای وارداتی الزامی است:

۱ داشتن حداقل ۴۰سال سن تمام؛ زیرا جوانان دارای کمتر از این سن بلانسبت خوانندگان این دستورالعمل، کله‌خر بوده و اگر پشت ماشین لوکس بنشینند، جوگیر شده و پشت فرمان وحشی‌بازی درمی‌آورند. برای پیشگیری بیشتر، شنیدن هرگونه موسیقی مهیج در این ماشین‌ها ممنوع است.

۲ صرفاً داشتن گواهینامه کافی نیست، بلکه متقاضیان باید دوره‌های آموزشی رانندگی حرفه‌ای را پشت‌سر بگذارند و حداقل ۹۰درصد مهارت مایکل شوماخر را کسب نمایند؛ زیرا فعلاً تعمیرگاه‌های محدودی در کشور قادر به تعمیر ماشین‌های خارجی هستند.

۳ عزیزانی که خود یا یکی از اعضای خانواده‌شان در فاصله ۴سال گذشته به‌عنوان راننده یا مسافر، داخل یک ماشین خارجی نشسته باشند، تا اطلاع ثانوی امکان خرید خودروی خارجی را ندارند. بالاخره یک‌بار نشستید دیگر، می‌دانید چه حسی دارد، بقیه هم همان‌طوری است.

۴ زوج‌های جوان و عاشق تا حداقل ۲سال امکان خرید خودروی خارجی را ندارند؛ چون در این دوران شیرین حواس زوجین کلاً سرجایش نیست و ماشین را می‌زنند به در و دیوار. به‌طور کلی هنگام تحویل خودرو، از متقاضیان تست عشق‌سنجی گرفته می‌شود.

۵ عزیزانی که قبلاً در بازی‌های کامپیوتری از خودروهای گرانقیمت و لوکس استفاده کرده‌اند نیز فعلاً امکان ثبت‌نام ندارند. واقعی‌اش هم مثل همان بازی‌اش است، هیچ فرقی ندارد!

۶ خانواده‌هایی که فرزند زیر سن بلوغ داشته باشند، فعلاً امکان ثبت‌نام ندارند؛ چراکه بچه توی ماشین شکلات و تنقلات می‌خورد و صندلی‌های ماشین را کثیف می‌کند؛ یا بازیگوشی می‌کند و خدایی نکرده باعث تصادف ماشین خواهد شد. البته در راستای تشویق فرزندآوری، بروشورهایی درمورد خطرات کاهش جوانی جمعیت، در خودرو تعبیه شده است.

لازم به ذکر است مسئولان و خانواده‌هایشان و نیز قشر زحمتکش ثروتمند و سرمایه‌دار، از شرایط بالا معاف هستند؛ زیرا اولاً این عزیزان از خودروی لوکس در راستای خدمت به آحاد جامعه استفاده می‌کنند، ثانیاً با فرهنگ استفاده از خودروی خارجی آشنایی کامل داشته و مشکلی به‌وجود نخواهند آورد. امید است با فرهنگ‌سازی و آماده شدن بستر مناسب، سایر افراد جامعه نیز به مرور از شرایط بالا معاف شوند. همچنین آن دسته از عزیزانی که واجد شرایط مذکور هستند، چنانچه از حق خود مبنی بر خرید خودروی خارجی به نفع مسئولان و نیز قشر سرمایه‌دار بگذرند، از ۳۰درصد تخفیف برای خرید یک دستگاه دناپلاس تمام اتوماتیک بهره‌مند خواهند شد.

نگاه فوق فلسفی به خودرو و مافیه

مجتبی قبادی

بشر از بدو ورود به عالم هستی همواره سؤالات بی‌جوابی را از قبیل «خط وسط قرص به چه منظور تعبیه شده» یا «چرا سوپرمن لباس زیر خود را روی شلوار می‌پوشد» در کنج ذهن خود داشته که سبب پیدایش هزاران هزار فیلسوف شده است.

امروزه نیز با صنعتی شدن و روند پیشرفت تکنولوژی سؤالات مهمی مثل نحوه ساخت خودرو در دو شرکت داخلی اذهان را درگیر کرده است که باوجود انحصار کامل و دریافت وام و امتیازات فراوان از لحاظ کیفیت در حالتی مناسب با چاشنی بزرگنمایی با کره الاغ کدخدا برابری می‌کند. در واقع مسئولان امر در این دو شرکت به چه تکنولوژی فرازمینی دست یافته‌اند که با این همه، در هر خودرو ضرر می‌کنند؟ اما نگارنده مدعی‌است که توانسته طی نظریه‌ای تحت عنوان فلسفه مَشی این معضل را حل کند.

در فلسفه ذیل عنوان وجود، موجودات به واجب‌الوجود، ممکن‌الوجود و ممتنع‌بالذات تقسیم می‌شوند. به عبارت ساده‌تر یا باید باشند، یا تحت شرایطی ممکن است باشند یا بودنشان به کل در هر شرایطی محال است. اما اشتباه فلاسفه در این است که حالت چهارم را در نظر نمی‌گیرند که سبب شده علت ضرر در هر خودرو درک نشود. حالتی تحت عنوان ممکن‌الوجود ممتنع‌بالذات که از غور در بحر تفکر نگارنده است.

فرض کنید یک شرکت خودروساز داخلی به طور بالقوه توانایی ساخت یک خودرو را داراست. در واقع این خودرو ممکن‌الوجود است و با تأمین مواد اولیه و فعالیت چند کارگر و حمایت آقای س.م.م.س ساخته خواهد شد. اما خودرو خوب و با تکنولوژی روز ساختن در این شرکت محال است زیرا در استخدامات جدید و قدیم سؤالی تحت عنوان فرق بین بلبرینگ و بولینگ حذف و حاجی سلام میرسونه جایگزین شده است. پس تولیدات از دانش‌بنیان به زایش بنیان (زاییدن ملت در زیر دنگ و فنگ خودرو) تبدیل شده است. پس بالقوه خودرو می‌سازند اما به‌دلیل نوع بنیان، خودرو دچار اسب بخار و زاویه نامناسب است. پس خط تولید برای ساخت خودرو موجود است اما خودرو خودرو نیست، نه که خودرو نیست، اون خودرو که باید خودرو باشه نیست. اینجاست که اختلاف بین خودروی ساخته شده و خودرویی که می‌تواند ساخته شود، ضرر مالی محسوب می‌شود!

یک فروند خودرو

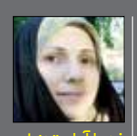

زهرا آراسته‌نیا

ای جعبه آهنین پیوند شده
ای خودروی بر سمند مانند شده

سامانه ثبت‌نام تو در فالم
ای خال تو صاحب سمرقند شده

بی پرده‌ترین گواه خوبیت همین
بازار که در قبضه تو بند شده

اصلاً تو بده چرخ فقط، باکی نیست
هرکس که خرید شاد و خرسند شده

با نام تو گر عجین شده واژه مرگ
خوب است که یاد از خداوند شده

در حین تصادف به هوا می‌رفتی
آنقدر که واحد تو فروند شده

آپدیتی و اسطوره تغییر و جهش
فول آپشنت این زه و کمربند شده

آزاد شده اگر ورود ماشین
بی‌ام‌و رقیب با تو هرچند شده

غصه نخوری که عادت ما اصلاً
یک وعده پراید و چایی و قند شده

دستت بگرفت و پا به پا برد خودم!
پس خودرو به‌عنوان تو پسوند شده

یک چیز ولی به هم نمی‌خواند هان!
کلّیت تو کیلویی چند شده؟

در زیر گرانی‌ات پدر زاییده
سرلوحه ازدیاد فرزند شده

گفتند نبوده وضعتان تعریفی
این حرف مگر برایتان پند شده؟!

حباب خودرو

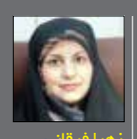

زهرا فرقانی

به سانتافه گفتا شبی یک پراید
که دقت نما خوب با لنز واید

رُخ رَخش این جاده‌ها را ببین
همه زیر چرخ من است این زمین

بُود جان این مردمان دست من
برو اجنبی دیگر از این وطن

بدو گفت سانتافه با خیرگی
الهی بِترکی بیکارگی

گرفتی چرا جان ملت به مشت؟
مرا که همین طنز تلخ تو کشت

شعارت شده: «سایپا مطمئن»
به جز «زه» چه داری مگر آپشن؟

بچرخید دور خودش با ادا
ز سان روفش آمد سپس این ندا؛

بشو از تماشای من رگ به رگ
ببین سنسور و هشت تا ایربگ

نباشم شبیه تو محتاج هُل
کند سرعتم را کروز، کنترل

پرایدِ برآشفته زین اتفاق
به ناگاه بنمود روشن چراغ

دوتا بوق ممتد به سانتافه داد
که البته درجا زهش هم فتاد

به سمتش خودش را خرامان کشید
سپس ناگهان قفل فرمان کشید

بدو گفت می‌خواهی ارزان شوی؟
رقیب وانت بار و نیسان شوی

گمان کرده‌ای می‌نشینم؟ زکی!
که بی‌تعرفه ابی و مفتکی

اراده کنم لحظه واردات
سه تای خودت را دهی مالیات

هلال احمر و مجلس و سایرین
بگیرند سهمی بیا و ببین

بگفتا چنین سانتافه به وی
نکن جان جدت چنین، عَکه هی

خودم نسخه فِیس لیفت توام
ولو اندکی کرده فیسم ورم

مبادا بسازی ز خودرو حباب
به پیکان قسم دادمت خوش رکاب!